

جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن

به اهتمام علی جعفری و با مقدمه دکتر حسین کپران



انتشارات سورمهه (وابسته به حوزه هنری)



جامعه‌شناسی راهپیمایی

۲۲ بهمن

به اهتمام علی جعفری

با مقدمه دکتر حسین کچویان، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

اپو ص ۱۰، واژه پرداز اندیشه - چاپ واژه

چاپ ۱۳۹۵

مردمان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰۳۸۱-۵

نقل و چاپ تحت حقوق به ازای رسد ناشر است.

سرشناسه: سمینار جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن (۱۳۹۳): تهران)
عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن / علی جعفری؛ مقدمه
حسین کچویان؛ (برگزار کننده) پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشار سورمهه، مهر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰۳۸۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: تظاهرات -- ایران -- کنگره‌ها

موضوع: تظاهرات -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی -- کنگره‌ها

شناسه افزوده: جعفری، علی، ۱۳۵۸ -

شناسه افزوده: کچویان، حسین، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سورمهه

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳/س ۸/۸۸۸۷۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۶۵۴۸

نشانی: تهران خیابان حافظ، خیابان رشته پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۴ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooromeh.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سخن پژوهشگر	۰۰۷
پیش‌گفتار	۰۰۹
مقدمه	۰۱۳
فصل اول: رویکردها و حوزه‌های راهپیمایی پژوهی	●
راهپیمایی ۲۲ بهمن: ندیدن و نادیده گرفتن	۰۲۵
چارچوب‌هایی در «راهپیمایی پژوهی»، به مثابه حوزه‌ای از علم‌الاجتماع ایرانی	۰۴۱
راهپیمایی ۲۲ بهمن و چهار رویکرد مطالعه	۱۰۳
فصل دوم: جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ۲۲ بهمن	●
ضرورت آسیب‌شناسی «مطالعات انقلاب اسلامی»	۱۱۹
تحلیل راهپیمایی در زمینه ایمانی اسلام	۱۳۲
فصل سوم: راهپیمایی ۲۲ بهمن و رویکردهای «تبیینی - علمی»	●
بازسازی «نظریه مردمی» انقلاب اسلامی	۱۴۰
روش‌شناسی مبارزاتی شیعه؛ از صدر اسلام تا راهپیمایی ۲۲ بهمن	۱۵۰
انقلاب اسلامی، جامعه ولایی، و راهپیمایی ۲۲ بهمن	۱۶۰
یوم‌الله تمدن‌ساز: تحلیل تمدنی راهپیمایی ۲۲ بهمن	۱۶۸
راهپیمایی؛ تلفیق الگوهای سنتی و مدرن «اعلان هویت»	۱۷۴
تبیین راهپیمایی از مبنای فراملی شدن امر سیاسی	۱۹۳
نهم دی به مثابه منجی ۲۲ بهمن	۲۰۵

● فصل چهارم: راهپیمایی ۱۱ بهمن و مطالعات پدیدارشناختی

فرهنگ «گردهم‌آیی»، «جشن‌ها» و «آیین‌های راهپیمایی مردمی» به مثابه «بیان سیاسی» ۲۰۷

کنش جمعی مردم ایران؛ مطالعه تجربی راهپیمایی ۲۲ بهمن ۲۲۵

بررسی «راهپیمایی» با دو پدیده مشابه «کرنال‌وال» و «جشن استقلال» ۲۴۴

بازنمایی راهپیمایی ۲۲ بهمن به مثابه «حرکت» ۲۵۳

● فصل پنجم: راهپیمایی ۲۲ بهمن، رویکردهای نمادین و مطالعات بازنمایی‌ها

نمادگرایی و نهادگرایی در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۲۷۶

میزگرد «راهپیمایی ۲۲ بهمن؛ سیاست نمایش و نمایش سیاست» ۲۹۴

مدیریت برداشت از حماسه راهپیمایی در چارچوب خلق واقعه رسانه‌ای؛ ۳۱۴

راهپیمایی ۲۲ بهمن به مثابه رسانه مردم‌شناسی ۳۲۰

راهپیمایی ۲۲ بهمن به مثابه حوزه عمومی ۳۲۶

● فصل ششم: راهپیمایی ۲۲ بهمن، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

راهپیمایی ۲۲ بهمن، شورای هماهنگی تبلیغات و ستاد دهه فجر ۳۳۱

سخن پژوهشکده

پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) سازمان تبلیغات اسلامی، در پی اهداف و مأموریت‌هایی که در توسعه و تعمیق مطالعات فرهنگی، ارتباطات و به‌خصوص تبلیغات دینی تعقیب می‌کند، به دنبال ارتقای حوزه «مطالعات اساسک و آیین‌های اسلامی- انقلابی» است. «آیین» بخشی مهم از فرهنگ و «مطالعات آیین» بخشی مهم از «مطالعات فرهنگی» است. یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ اسلامی ایرانیان درهم‌تنیدگی همه‌جانبه‌اش با نظامات آیینی- شیعی است. این زیرساخت آیینی تاریخ از کارکردهای عمومی آن در فرهنگ عمومی ایرانیان، همچنین از زمینه‌های اجتماعی فرهنگی اصلی تحقق انقلاب اسلامی در ایران به شمار می‌آید؛ چنان که مناسک حائز اهمیت عاشورایی، که مهم‌ترین و چشمگیرترین آیین فرهنگی کشور است، در جریان تحولات معاصر ایران به بازتولید پدیده راهپیمایی‌های انقلابی انجامید و ادامه راهپیمایی‌ها نیز به سقوط حکومت پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی منجر شد. راهپیمایی به همان اندازه که علت اجتماعی ایجاد انقلاب در ایران است از علل اصلی بقای انقلاب اسلامی در طول سال‌های بعد از پیروزی نیز محسوب می‌شود. این آبرآیین، که سالیانه در ترازوی ملی در جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود، یکی از پدیده‌های اجتماعی مهم و چشمگیر ایران و جهان است. گروه مطالعات تبلیغ و ارتباطات دینی پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) برای اولین بار ابعاد جامعه‌شناختی این آیین بزرگ و کم‌نظیر انقلابی- مذهبی را در چارچوب سمیناری با عنوان «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن»

به بحث و بررسی صاحب‌نظران گذاشت. دبیری این سمینار را حجت‌الاسلام علی جعفری، عضو شورای علمی گروه تبلیغ و ارتباطات دینی، به عهده داشت. کتاب پیش رو آیینۀ نسبتاً جامع و صادقی از سخنرانی‌ها و مباحثات روز سمینار و گفت‌وگوهای تکمیلی بعدی است که دبیر سمینار با صاحب‌نظران انجام داده است. پژوهشکده باقرالعلوم (ع) در نظر دارد مطالعاتی از این دست را ناظر به آیین‌ها و مناسک انقلابی و شیعی دیگر نیز پشتیبانی کند. گروه مطالعات تبلیغ و ارتباطات دینی از نظریات انتقادی و ارتقایی صاحب‌نظران و خوانندگان محترم استقبال می‌کند. گروه از دانش‌های مؤثر جناب آقای علی جعفری در برگزاری باکیفیت سمینار و نیز تدوین و راست‌مناسب سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها در قالب کتاب ارزشمند «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن» و نیز از همکاری صمیمانه و متعهدانه انتشارات سوره مهر در چاپ و انتشار این اثر سپاسگزار است.

به عنوان حسن ختام این سخن، برخورد لازم می‌دانم که پشتیبانی همه جانبه و متعهدانه دکتر حسن قشقی، ریاست محترم پژوهشکده باقرالعلوم^۱ را از برگزاری سمینار و انتشار کتاب «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن» ارج نهم. توفیقات روزافزون ایشان را از درگاه خداوند متعال التماس می‌کنم.

دکتر سید محمدحسین هاشمیان

مدیر گروه مطالعات تبلیغ و ارتباطات دینی پژوهشکده باقرالعلوم^۲ سازمان تبلیغات اسلامی

پیش‌گفتار

دکتر حسین کجویان اولین و نخستین علم‌الاجتماع است که راهپیمایی ۲۲ بهمن را، به مثابه یک پدیده مهم اجتماعی، مطالعه کرده است. نخستین مواجهه من با تأملات راهپیمایی پژوهانه دکتر کجویان در سال ۱۳۸۵، زمانی بود که ایشان، که در زمستان ۱۳۸۵ در روزنامه کیهان منتشر شد، اتفاق افتاد آن را داشت نسبتاً بلند شاید به اندازه همه کتاب‌ها و آثاری که تا آن تاریخ در حوزه علوم اجتماعی خوانده بودم در تحریک علایق و جهت‌دهی به ذهنیت علم‌الاجتماعی تأثیر گذاشت. پیامد فوری تأثیر مذکور نشستی بود که به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۱، دقیقاً یک روز مانده به راهپیمایی ۲۲ بهمن آن سال، در دانشگاه امام صادق^(ع) برگزار کردم. سخن‌پردازی این نشست، دکتر کجویان دعوت معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات را برای نشستی با عنوان «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن» پذیرفت. در قالب همین نشست ساده بود که برای اولین بار دکتر را زیارت کردم و احساس کردم چه گمشده‌ای را به دست آورده‌ام! برای من، که به موازات درس و بحث طلبگی به تازگی در حال تجربه آکادمیک علوم اجتماعی نیز بودم، دکتر کجویان تافته‌ای جداافتاده بود. او می‌توانست در اقیانوس عظیمی که تازه وارد آن شده بودم و هر قدر در آن پیش می‌رفتم دل‌نگرانی و سرگردانی‌ام بیشتر می‌شد بیش از هر صاحب‌نظر و استادی کمکم کند. از تأثیر فوری مطالعه یادداشت روزنامه کیهان تا امروز، که هماره در مغناطیس اثرپذیری مستمر از دکتر کجویان بوده‌ام، سال‌ها گذشت تا آن نشست ساده دانشجویی

به کتابی پر حجم، با همان عنوان «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن»، تبدیل شد. بی‌تردید بسیاری از رویش‌های علم‌الاجتماعی انقلاب اسلامی، که بحمدالله فراوانند، بخش عمده‌ای از انگیزه‌ها و ذهنیت‌های پیش‌برنده و راقی خود را مدیون حضور معنادار و مشتعش این جامعه‌شناس دانشمند، پارسا، و بصیرند. اگرچه به دلیل کسالت دکتر کجویان توفیق درک حضورشان در سمینار «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن» یار نشد، حمایت‌های معنوی ایشان همواره مشوق اصلی در برگزاری سمینار و نیز تهیه و تنظیم کتاب پیش رو بوده است. همچنین مقاله درخشان دکتر کجویان در تبیین جامعه‌شناختی راهپیمایی ۲۲ بهمن، که اولین و همچنان بهترین اثر نظری در این حوزه به نظر می‌رسد، به عنوان مقدمه کتاب بازنشر می‌شود. این مقاله کوتاه، ولی به‌غایت غنی و دقیق، بیش از یک دهه پیش به مقدمه کتابی از ایشان، با عنوان کند و کاو در ماهیت، نمای ایران، که انتشارات بوستان کتاب آن را منتشر کرد، تبدیل شد. بازنشر مقاله مذکور، به‌عنوان مقدمه کتاب پیش رو، فارغ از اهمیت نظری آن، به جهات دیگری نیز واجد اهمیت بود. چنان‌که خواهید خواند، ارجاع بسیاری از سخنرانی‌ها یا گفت‌وگوهای سمینار به نظر دکتر کجویان در تبیین راهپیمایی ۲۲ بهمن لازم می‌آورد متن مقاله در کتاب حضور داشت. همچنین گذشت بیش از یک دهه از چاپ اول کتاب کند و کاو در ماهیت معنایی ایران و عدم تجدید چاپ در سال‌های بعد عملاً مقاله درخشان دکتر را در محال عدم نشر فروبرده بود. این واقعیت عزم دبیرخانه سمینار را برای بازنشدن این مقاله بر تارک کتاب جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن بیشتر جزم کرد.

سلامت و سعادت ایشان و خانواده محترمشان را از درگاه ایزد منان طلب می‌کنم. کتاب پیش رو مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و دیدگاه‌ها ارائه‌شده در سمینار «جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن» و گفت‌وگوهای علمی است. از سمینار است. این سمینار به حمایت پژوهشکده باقرالعلوم^۱ سازمان تبلیغات اسلامی در سالن همایش‌های این پژوهشکده، در تاریخ پنج‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۳، در تهران برگزار شد. سمینار از چهار پنل برخوردار بود که یک روز کامل را شامل می‌شد. در هر پنل سه سخنرانی پیش‌بینی شده بود که مجموعاً دوازده سخنرانی را تشکیل می‌داد. قریب هشت گفت‌وگوی علمی نیز بعد از سمینار اجرا شد که مجموعاً به بیست مورد رسید. مجموعه سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها در دبیرخانه سمینار مکتوب و بازنویسی شد

و بعد از چند بار رفت و برگشت با سخنرانان و گفت‌وگو‌شوندگان صورت نهایی به خود گرفت که اینک از نظر می‌گذرانید. دبیرخانه سمینار بر خود لازم می‌داند مراتب قدردانی خود را از دکتر علی‌رضا شجاعی زند ابراز کند؛ که در تدوین و فصل‌بندی کتاب به شکلی که ملاحظه می‌کنید بیشترین مشاوره و همکاری علمی را داشتند. سخنرانی راهپیمایی پژوهانه دقیق و جامع ایشان در روند صورت‌بندی نظری کتاب واجد بیشترین سهم و تأثیرگذاری است. کتاب همچنین حاوی یک مقاله نسبتاً بلند به قلم دبیر سمینار است. او در این مقاله تلاش کرده، در چارچوب گونه‌شناسی نظری دکتر شجاعی زند، از رویکردهای راهپیمایی پژوهانه، محتواهای اصلی بیان‌شده از سوی هر یک از سخنرانان یا گفت‌وگو‌شوندگان را به شکلی نسبتاً مقایسه‌ای به بررسی بنشینند. مطالعه این مقاله برای آن دسته از خوانندگان که تمایلی به خواندن کل کتاب ندارند چاره‌ساز است. همان طالع این مقاله تا حد زیادی می‌تواند در شناخت کلی جایگاه نظری دیدگاه‌های مختلف مفید افتد. در پایان لازم می‌بینم از بزرگوارانی که در پدید آمدن این اثر و برگزینی سمینار مربوطه نقش داشتند تشکر کنم: - جناب حجت‌الاسلام دکتر حسین شایان، مدیر محترم گروه مطالعات تبلیغ پژوهشکده باقرالعلوم^(ع)، که مسلماً بدون مساعدت‌ها و عنایت‌های بزرگوارانه ایشان امکان برگزاری سمینار و نیز انتشار این کتاب را نمی‌یافتیم.

- جناب آقای دکتر حسین قشقایی، ریاست محترم پژوهشکده باقرالعلوم^(ع)، که با انگیزه‌های اسلامی و انقلابی قابل تقدیر همواره پشتیبان کوشش‌های من بوده‌اند. - از اعضای شورای علمی گروه تبلیغ و ارتباطات دینی پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) جناب حجت‌الاسلام میرمطلبی و آقای کوهی و آقای ممینی که با مشاوره‌های علمی و مساعدت‌های اجرایی همکاری صمیمانه‌ای با دبیر سمینار داشتند. - جناب آقای معادی، برادر بزرگوارم، که با لطف وافر و هماره خود زمینه گفت‌وگو با دکتر کجویان را فراهم آوردند.

- آقایان دکتر عبدالحسین کلانتری و حسین ساعی، که در اجرای پل‌های سمینار همکاری‌های نزدیک و بسیار مفیدی داشتند.

- جناب آقای دکتر نورمحمد، مسئول محترم جبهه فکری انقلاب اسلامی، که زمینه همکاری مؤسسه سیما فکر را برای ضبط و تدوین تصاویر سمینار فراهم آوردند. - جناب آقای آزاد، سردبیر سایت سیما فکر، که در ضبط و تدوین تصاویر سمینار و مصاحبه‌های بعدی با دبیرخانه سمینار همکاری کردند.

- جناب آقای میثم مهدیار، مدیرمسئول محترم سایت علوم اجتماعی ایرانی-اسلامی، که در بازتاب رسانه‌ای سمینار همکاری کردند.
- جناب آقای الیاس قنبری، دبیر وقت سرویس فرهنگی خبرگزاری مهر، که در بازتاب رسانه‌ای اخبار سمینار برادرانه همکاری و همت کردند.
- جناب حجت‌الاسلام محمد مهدی صحاف، کارشناس محترم گروه مطالعات تبلیغ پژوهشکده، که در تسهیل زمینه‌های اجرایی و مالی برگزاری سمینار و انتشار کتاب با دلسوزی بسیار اقدام کردند.
- جناب آقای علی آبادی، مدیر محترم امور اداری و مالی پژوهشکده، که در برگزاری سمینار، مستمر و پی‌گیرانه، همکاری کردند.
- جناب آقای محمدی، که بخش عمده‌ای از زحمت مکتوب کردن متن سخنرانی‌ها و گفت‌ووها، به عهده گرفتند.

علی جمفری

دبیر سمینار جامعه‌شناسی راهپیمایی ۲۲ بهمن

دهه فجر ۱۳۹۴

مقدمه

این حضور معمایی: معمای بسیج مستبکم و سراسری

دکتر حسین کچویان، دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلزم مردم مسلمان ایران کراراً صحنه‌ای را که در ۲۲ بهمن‌ماه امسال نیز شاهد آن بودیم، مان بهت و ناباوری همگان، چه دوست و چه دشمن، خودی و غیر خودی، به تجزیه در وردند. با اینکه همیشه این حضور نامنتظر صورتی معمایی و فهم‌ناشدنی داشته است، تکرار آن می‌رود که بدان ماهیت طبیعی و شکلی عادی ببخشد. کسانی که با این انقلاب راه داشته و درگیر مشکلات، افت‌وخیزها، اضطرابات، و نگرانی‌های آن بوده‌اند به خوبی می‌دانند که حتی تا همین امسال نیز مسئله بدین صورت نبوده است. نگرانی و دلهره از اینکه مردم، به دلالی که کم هم نبوده است، از حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن خودداری کنند هیچ‌گاه نیروهای انقلاب را در ماه‌ها و روزهای منتهی به این روزها نکرده است. به همین ترتیب دشمنان انقلاب نیز به گونه‌ای دیگر درگیر آشفتگی‌های مشابه در سمت و سوی خاص خود بوده و بر عدم حضور مردم شرط‌بندی و آن را تشویق می‌کرده‌اند.

به همین دلایل هر ساله، پس از تکرار این حضور غامض و نافهمیدنی، این سؤال به صورت پنهان و آشکار و گفته‌شده یا ناگفته برای همه مطرح بوده است که چگونه چنین حادثه‌ای ممکن شده است و معنای آن چیست. اما اکنون ما در مسیر تحول نادرست در این زمینه هستیم. از آنجا که ظرف بیش از سی و پنج سال گذشته مردم مداوم و

بدون هیچ‌گونه تردید و بی‌هیچ تحول کمی و کیفی منفی، بلکه با حضوری کم‌ و کیفاً رشدیابنده، نشان داده‌اند که نگرانی‌های دوستان بی‌پایه و شرط‌بندی دشمنان بر عدم حضور آنان قماری بر برگی سوخته بوده است، تدریجاً صورت مسئله در حال پاک شدن است و این روز شکل معنایی و پرابهام و سؤال‌آفرین خود را عملاً از دست داده است. همه کسانی که درک مجملی از شرایط تاریخی عصر حاضر و امکانات و مقدرات صحنه سیاست دارند به‌خوبی می‌دانند که راهپیمایی ۲۲ بهمن با چه دشواری‌هایی روبروست. بسیج یک کشور به گونه‌ای سراسری فقط در شرایطی بسیار خطیر که مرگ و زندگی مردم آن پیوند داشته باشد امکان دارد. در اوضاع و احوالی کاملاً غیر عادی که در عمر یک نسل فقط یک یا دو یا حداکثر سه بار رخ می‌دهد می‌توان انتظار داشت که بین بسیجی ممکن شود. هنگامی که زندگی مسیر عادی را طی می‌کند و رخدادها عادی و تکراری به خود می‌گیرند هیچ نیرویی نمی‌تواند مردم را از زندگی روزمره‌شان بکشد. در مسیر چنین بسیجی قرار دهد. زندگی روزمره انسان‌ها را به خمودگی، تن‌آوری، درگیری در مشغله‌های شخصی و لذت‌های انفرادی‌شان می‌کشاند؛ به نحوی که هیچ نیروی عادی نمی‌تواند قابلیت جداسازی آن‌ها را از این وضعیت سخت و مانا داشته باشد.

مشکلاتی که از ناحیه امکانات و ظرفیت‌های سیاسی پیش‌اروی بسیج‌هایی همچون حضور ملی یک کشور در روز ۲۲ بهمن مانع از دارد به واسطه شرایط تاریخی عصر حاضر، که ما نیز کمابیش متأثر از آنیم، ده‌ها مانع می‌شود. عصر حاضر عصری است که در آن از مرگ سیاست سخن گفته شده است. این دقیقاً به معنای بی‌میلی و عدم رغبت مردم به درگیری در سیاست‌های رسمی و نهادهای دولتی است. در جایی که مردم کماکان علاقه‌ای به این‌گونه سیاست از خود نشان می‌دهند، آنچه آن‌ها را درگیر می‌کند مقولاتی کلان و انتزاعی نیست، بلکه سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات عملی مشخصی است که به زندگی روزمره آن‌ها ربط می‌یابد. از این منظر در وضعیت کنونی عالم برای آنکه مردم به فعالیت‌های سیاسی علاقه‌مند شوند و در آن مشارکت کنند سیاست باید اهداف کلانی مثل عزت و اقتدار ملی، مبارزه با خارجی، دفاع از کشور، و نظایر آن را رها کند و به جای آن به مسائلی نظیر بی‌کاری، افزایش دستمزدها، کاهش مالیات‌ها، و نظایر آن‌ها بپردازد. از این رو اهدافی از آن‌گونه که بسیج ۲۲ بهمن بر پایه آن انجام می‌گیرد از مقولاتی نیست که بخت و اقبالی برای درگیر ساختن مردم یا

علاقه‌مندی آن‌ها به خود داشته باشد. در واقع، دقیقاً از جهت قابلیت‌هایی که ۲۲ بهمن در بسیج مردم بر پایه چنین اهداف اصطلاحاً کلان و انتزاعی و دور از دسترس یا بدون ربط مستقیم با زندگی روزمره مردم نشان می‌دهد این حادثه همیشه از دید ناظران خارجی باورنکردنی و عجیب به نظر رسیده است. سیاست در عصر حاضر نه تنها قابلیت‌های خود را برای سرمایه‌گذاری بر اهدافی که مستقیم به زندگی روزمره و قابل فهم مردم ارتباط ندارد از دست داده، بلکه به اعتبار مسائل ایدئولوژیک و بالاتر از آن سیاست‌های فردگرایانه و حزبی، که مردم را در گروه‌بندی‌های بعضاً متنازعی دسته‌بندی می‌کند، امکان بسیج‌های ملی و عمومی ندارد.

اما صعوبت فراوانی در نگری نظیر بسیج ۲۲ بهمن فقط در همین حد خلاصه نمی‌شود. بسیج این زمان فقط نیازمند نیرویی نیست که بر نیروی منفی روزمرگی‌ها، خمودگی‌ها، و لذت‌های ریش‌دار زندگی عادی غلبه کند. بسیجی چنین صرفاً نیازمند غلبه بر دغدغه‌های فردی و اهداف خاص و گروهی و مشکلات ناشی از توجه به اهداف عام و دور از دسترس نیست. بسیج این روز نیازمند نیرویی بس بیشتر برای غلبه بر روندهای منفی و نامطلوب است که طبیعی عالم سیاست است. عالم سیاست عالم تصمیم‌گیری و اقداماتی است که در هر حال گروهی را ناخشنود می‌سازد. به تأثیرات منفی روند معمول سیاست فداکاران و بندها، و آلودگی‌های سیاسی را نیز باید افزود که گرچه در ایران کم است، اما آثار روانی آن به دلیل تبلیغات و رفتارهای غلط دوستان یا دشمنان بسیار زیاد است. مخصوص اینکه به واسطه سابقه تاریخی آن این تصور منفی وجهی راسخ و ریشه‌دار جایگزین در فرهنگ سیاسی مردم ایران است. اگر همه این تأثیرات منفی را در شرایط خاص ایران - یعنی شرایط انقلابی با بی‌ثباتی‌ها، بی‌برنامگی‌ها، تعارض‌ها، و نزاع‌های بعد از ساختاری - قرار دهیم، روشن خواهد شد که برای غلبه بر این نیروی بازدارنده چه نیرو و قابلیت‌هایی نیاز است و تا چه پایه بسیج مردمی را صعب و بلکه ناممکن می‌سازد. اما همین صعوبت‌ها راهپیمایی یا بسیج مردمی ۲۲ بهمن را به لحاظ سیاسی اقدامی پر مخاطره نیز می‌سازد. ماهیت مخاطره‌آمیز این اقدام کمابیش بر همگان روشن است و این را می‌توان از سرمایه‌گذاری قوی و گسترده‌ای که دشمن برای ناکام گذاشتن آن انجام می‌دهد دریافت. با نظر به نقش و کارکردی که این بسیج در حیات اسلامی انقلاب یافته است، هر گونه عدم توفیقی در این زمینه مستقیم و بی‌درنگ بر

مشروعیت، اعتبار، و مقبولیت مردمی نظام تأثیر خواهد گذاشت. به این معنا، این بسیج همچون قمار پرخطری می‌نماید که موجودیت یا بقا و تداوم انقلاب و نظام را در گرو خود قرار داده است. در نتیجه به این ترتیب انقلاب با دعوت به این بسیج مشروعیت خود را در معرض آزمون بزرگی قرار می‌دهد که شکست در آن، ولو به میزانی ناچیز، تهدیدهای جدی متوجه آن خواهد ساخت.

پیدایی یک چنین وضعیتی پدیده‌ای بی‌مانند در عمر نظام‌های سیاسی و انقلاب است. همان‌گونه که هیچ انقلابی از انقلابات عصر جدید پس از انقلاب فرانسه به این ظرفیت امکان و جرئت آن را نداشته که سرنوشت خویش را به رأی مردم و انتخاب آن‌ها متکی کند، هیچ‌یک از آن‌ها یا حتی حکومت‌های تثبیت‌شده نیز در خود جسارت - همان پذیرش این مخاطره عظیم را نداشته که هر ساله مشروعیت و در نتیجه سرزمین خود را به پدیده حضور مردمی که در ۲۲ بهمن شاهد آنیم مشروط کند. اما این تهدید بنشی از مشکل است. شاید بخش مهم‌تر و حساس‌تر مشکل آن است که حتی اگر حکمت یا جنبشی چنین ظرفیتی در خود بیابد، قطعاً از ورود در این ماجرای پرمخاطره اجتناب خواهد کرد که هر سال یک بار خود را در معرض آزمونی به این بزرگی و تعیین‌کنندگی قرار دهد.

برای درک عظمت این کار لازم است که به نکته‌ای مهم توجه کنیم. بسیج مردمی اقدامی نظیر فراخوان مردم به رأی‌ریری با ترتیب دادن اقداماتی از این دست نیست. با اینکه به طور طبیعی انتخابات چنین سببی در دست، تقویت، یا کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام‌های سیاسی دارد، ماهیت آن‌ها به آن‌ها وابسته است که تفسیر و تعبیرهای بسیار برمی‌دارد. عدم شرکت مردم در انتخابات یا کاهش آن می‌تواند به دلایلی در سطحی پایین‌تر از موجودیت نظام، از جمله ناخشنودی مردم از احزاب یا برنامه‌های آن‌ها، ارجاع شود. به علاوه، انتخابات به جهات متعددی هزینه‌های بسیار کمتری از یک بسیج مردمی دارد؛ هم به جهت اینکه انتخابات با نیازهای مستقیم مردم ارتباط می‌یابد هم از آن رو که از لحاظ مختلف، از جمله روانی، مشقت و بار بسیار کمتری در مقایسه با بسیج مردمی دارد و از ماهیتی کاملاً عادی و عملی برخوردار است. البته اگر حکومت‌ها می‌توانستند، قطعاً می‌کوشیدند از آزمون انتخابات‌ها نیز طفره ببرند و خود را در معرض آن قرار ندهند. به همین دلیل می‌توان به خوبی معنای غیر معمول آزمونی همچون ۲۲ بهمن را دریافت.

همه حکومت‌ها برای افزایش مقبولیت و تثبیت و تداوم پایه‌های نظام سیاسی خود و مشروعیت آن نیازمند بهره‌گیری از خاطره‌های ملی نظیر روز استقلال و برپایی آیین‌ها و جشن‌های ملی هستند و این کار را به نحوی انجام می‌دهند که کمترین هزینه را برای آن‌ها در بر دارد. به همین دلیل در سراسر دنیا این نوع مناسک آیینی و جشن‌های ملی یا از حضور مردم، جز به شکل محدود و آن هم به صورت تماشاجی (نظیر جشن‌های انقلاب اکتبر در شوروی سابق)، خالی است یا اینکه به صورتی کاملاً بسته و با حضور مقامات رسمی انجام می‌شود و لذا به غیر از بعضی اقدامات عمومی نظیر آتش‌بازی یا مراسم رژه و نظایر آن کلیه مراسم و جشن‌های ملی جهان در محیط‌های سر بسته و محدود می‌شود. درون آمفی‌تئاترها یا سالن‌هایی همانند آن، جریان می‌یابد. از این نیز بدیهه است که در اکثر موارد کل کار در حد ارسال یک پیام یا سخنرانی رادیو-تلویزیونی رؤسای دولت با خلاصه و جمع‌وجور می‌شود. با این حال انقلاب اسلامی ایران، که به طور مشخص در هیچ زمینه‌ای نظیر آن میان انقلاب‌های تاریخ معاصر بشری- از چهارصد سال پیش به این طرف- نیست، در این مورد نیز نمونه‌ای بی‌مانند به جهان عرضه کرده است. این روشن نیست که چگونه چنین شد. اما به هر حال تقدیر تاریخی این انقلاب را در مسیر، کاملاً ویژه قرار داد. انقلاب اسلامی شیوه‌ای را برای برپایی جشن‌های پیروزی و مراسم، ذکر، سالیانه انتخاب کرد که به معنای دقیق خود یک انقلاب بود. به این معنا، انقلاب اسلامی حای اینک به گونه‌ای مناسکی و آیینی به تجدید خاطره و یاد پیروزی و روزهای انقلاب است بزند، هر ساله خود انقلاب را در شکلی خاص با همان سرزندگی، حیات، و جانش تجدید می‌کند. بیست و دوم بهمن برای انقلاب اسلامی صرفاً یادآوری و تکرار انقلاب اسلامی، رخدادهای حماسی، و صحنه‌های ایثار و شهادت مردمی که در گذشته آن را به وجود آورده‌اند نیست؛ بلکه بازتجدید انقلاب اسلامی و برپایی دوباره و چندباره آن است. مردم مسلمان ایران در یک تداوم تاریخی هر ساله در این روز در کنار آنانی که انقلاب را ایجاد کرده‌اند می‌ایستند و شانه‌به‌شانه آن‌ها انقلاب را بازتولید می‌کنند و از این طریق آن را استمرار می‌بخشند. آن‌ها در راهپیمایی خود صحنه‌ای نمایشی را بازی نمی‌کنند، بلکه به معنای دقیق و غیر نمادین صحنه‌ای دیگر از انقلاب را ایجاد می‌کنند و بخشی دیگر از تاریخ فعال و پویای آن را می‌سازند. اگر انقلاب دائمی که صرفاً به لحاظ تئوریک مطرح شده و آرزوی انقلابیون تاریخ بوده است معنایی داشته

باشد، آنچه مردم مسلمان ایران هر ساله در ۲۲ بهمن به صحنه می‌آورند فقط معنای قابل تحقق آن است. با این روز، انقلابی همیشگی و مستمر امکان تحقق یافته است. چنین چارچوبی معنادارترین و ممکن‌ترین قالبی است که می‌تواند این روز معنایی را مفهوم و تا حدی از ابهام خارج سازد.

به عبارتی، فقط در صورتی می‌توان فراخوان عمومی ۲۲ بهمن را در هر سال فهمید که آن را صحنه‌ای نمایشی به حساب نیاوریم. هیچ صحنه‌نمایشی هر قدر هم ارزشمند به حساب آید نمی‌تواند چنین حضوری را توجیه کند. بسیج نیرویی این‌چنینی از تیرها و دلایل قوی و استواری می‌خواهد. اگر بنا نباشد که عقل مردم را به هیچ بیندازیم، نمی‌توانیم آن‌ها را بازیچه تبلیغات قلمداد کنیم. اگر تبلیغات و رسانه‌ها به طور مطلق چنین رانی داشتند، همه قدرت‌های موجود عالم باید می‌توانستند صحنه‌ای نظیر ۲۲ بهمن یا عظیم‌تر از آن خلق کنند. زیرا بسیاری از آن‌ها نه تنها در این زمینه از ما کم ندارند، از قابلیت‌ها و توانایی‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای به مراتب قوی‌تر و کاراتری نیز برخوردارند. تبلیغات رسانه‌های جمعی و پول‌ها و هر وسیله و ابزاری نظیر آن، که فقط قابلیت ایجاد صحنه‌های نمایشی دارند، نمی‌توانند مردمی را هر ساله برای چنین حضوری با این شور و شوق بسیج کنند.

به‌علاوه تکریم انقلابی شکوهمند، و حماسه‌های آن تجلیل از ایثارها و فداکاری‌ها و یادآوری مجدد خاطره‌ها هر قدر هم که ارزشمند و ذی‌قیمت باشد نمی‌تواند مردمی را هر ساله با این حجم، گستردگی، و شوریهی در سراسر یک کشور تحت هر شرایطی به خیابان‌ها بکشاند. اهداف و غایاتی این‌چنین و با هم، با گذشت زمان و از بین رفتن نیروهای موجد آن‌ها به تدریج قوت و نیروی حیاتی خود را از دست می‌دهند و کهنه می‌شوند. با گذشت زمان نه فقط یاد این رخدادها شور و شوق چندانی را بر نخواهد انگیخت، بلکه تکرار آن موجبات ملال و اندوه را فراهم خواهد آورد. انسان‌ها فقط در موارد معدود مشخصاً درباره‌ی یاد و خاطره‌ی نزدیکان خود به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند که در این موارد نیز همیشه وضع به یک شکل نیست. صرف‌نظر از رخدادهای دینی، خاطره‌ی هیچ حادثه‌ی بشری نمی‌تواند قوت و نیروی حیاتی بیشتری نسبت به خاطره‌ی حوادثی که به طور شخصی به ما مرتبط‌اند داشته باشند. صعوبت امر وقتی بیشتر می‌شود که توجه کنیم بعد از گذشت سی و پنج سال از رخداد انقلاب اسلامی هر روز از تعداد افرادی که خود در تجربه‌ی انقلاب شرکت داشته یا آن را مستقیم درک

کرده‌اند کاسته می‌شود و برای بسیاری از آن حوادث بیشتر از یاد و نامی نمانده است. فقط در صورتی می‌توانیم تکرار بی‌بدیل ۲۲ بهمن‌ها را بفهمیم که هر سال آن را فصل و صحنه جدیدی از انقلاب به حساب آوریم. این روز از نظر مردم روزی تازه از انقلاب است. آن‌ها به انقلاب به مثابه حادثه‌ای پایان‌یافته نگاه نمی‌کنند؛ بلکه آن را همچنان مستدام، پایدار، و در حال حرکت می‌بینند که به اقتضای شرایط تاریخی‌اش هر روزه درگیر مخاطرات و تهدیدات تازه است. از نظر مردم روز ۲۲ بهمن روزی اساسی در جریان تحول این رخداد همچنان زنده و فعال است که طی آن سرنوشت یک سال اندر رقم می‌خورد. آن‌ها مخاطرات و تهدیدهایی را که هر ساله متوجه انقلاب است با بی‌پرت بسیار ارزیابی می‌کنند و با حضور خود، همچون حضور در عاشورا و تاسوعای ۱۳۵۱، آن‌ها را دفع و راه انقلاب را باز و هموار می‌کنند.

باور کنیم این یک انقلاب دائمی است که تاریخی متفاوت را برای جهان معاصر رقم می‌زند. آیا این عجیب نیست که هگل در چهره ناپلئون، وقت ورود فاتحانه وی و ارتش فرانسه به سایر کشورها، رژه و سارن تاریخ را می‌دید، اما ما نمی‌توانیم در گام‌های میلیونی مردم و حضور توفانی پایدار و مستمر آن‌ها ببینیم که تاریخ سمت و سویی متفاوت یافته است؟! اگر روشنفکران همان متناسب با این حضور داشتند، درک این چرخش تاریخی می‌باید سال‌ها پیش از این حاصل می‌شد.

سال‌های زیادی است که تاریخ به راهی متفاوت با راهی که هگل و متجددین تصور می‌کردند به راه افتاده است؛ حداقل سی و پنج سال! اگر ما برای این سخن دلیلی آورد، نفس حادثه‌ای که از سی و پنج سال پیش هر سال با تازگی و به‌رغم همه تلاش‌ها برای عدم تحقق آن با تازگی خاص خود در عظمتی بی‌تکرار شده دلیلی با کفایت بر آن است. چگونه حادثه‌ای که از عمق وجود سر برآمده، فقط در سطح زندگی می‌کند، و رابطه‌ای با باطن عالم ندارد می‌تواند با چنین کیفیتی و در هیئت چنین حضور پر خون و زنده‌ای برای این مدت مدید استمرار یابد و تکرار شود؟ چه کسی جز دست خدا می‌تواند ملتی را در صورت جمعی‌اش به مدت سی و پنج سال در صحنه نگاه دارد و با آن تاریخ بسازد؟